

گیرایی

احتمالا شما هم این جمله را زیاد شنیده‌اید که «به خاطر پول کار نکنید.» و کاری که به خاطر پول باشد چیزی بر تجربه و حال خوب شما نمی‌افزاید. حقیقتش را بخواهید به نظر من این جمله درست نیست و کاری در دنیا وجود ندارد که برای آدم به جز منفعت مالی، هیچ سود دیگری نداشته باشد. حتی کاری که دوستش نداریم و هدفمان از انجام آن فقط پول است هم می‌تواند برایمان مفید باشد، به طور مثال زنده‌یاد امیرحسین فردی که دارای آثاری مانند **گرگ‌سالی**، **کوچک‌جنگلی**، **آشیانه در مه** و **اسماعیل** است، در دوره جوانی‌اش کارمند بانک بود اما پس از چند سال از بانک استعفا داد و وارد عرصه نویسندگی و داستان‌نویسی شد. شاید از دور این‌طور به نظر برسد که کار کردن در بانک هیچ تأثیری بر نویسندگی ندارد اما آثار آقای فردی چیز دیگری را نشان می‌دهد. در داستان‌های او، شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی وجود دارند که الهام گرفته از فضای بانکی هستند و رگه‌هایی از تجربیات ایشان در شغل بانک‌داری در داستان‌هایش دیده می‌شود. شاید اگر آقای فردی از همان زمان جوانی مسیر داستان‌نویسی را پیش می‌گرفتند، داستان‌هایشان خالی از رگه‌های جالب و گیرایی می‌شد که حالا در آثارشان می‌بینیم.

یکی دیگر از دوستان نویسنده‌ام ماه‌ها دنبال کار گشت تا شغل مورد علاقه‌اش را پیدا کند؛ اما نکته جالب این است که موضوع اکثر نوشته‌هایش همان ماه‌هایی است که برای پیدا کردن شغل، مهارت‌های گوناگون یاد گرفت و روی روابط عمومی‌اش کار کرد تا در مصاحبه‌های کاری پذیرفته شود.

همیشه کاری که به سراغ آن می‌رویم قرار نیست مسیر نهایی زندگی ما و شغل همیشگی مان باشد، در بعضی از شغل‌ها مهارت‌هایی یاد می‌گیریم و تجربه‌هایی به دست می‌آوریم که در ادامه مسیر زندگی مان، چه کاری چه شخصی، به کارمان می‌آید. هنرجویان عزیز، فراموش نکنید در این دنیا هیچ کاری نیست که نتوان از آن چیزی یاد گرفت، ولو کوچک.